

مجموعه آموزه های کتاب مقدس

یهوشع، رئیس کهنه

بررسی رؤیای باب ۳ از کتاب زکریا
در خصوص یهوشع، رئیس کهنه

نویسنده: لوک رایان



مجموعه آموزه‌های کتاب مقدس

یهوشع، رئیس کهنه

بررسی رؤیای باب ۳ از کتاب زکریا
در خصوص یهوشع، رئیس کهنه

نویسنده: لوك رايان



انجمن تحقیقات کتاب مقدسی رایان



انتشارات کلیسای خداوند عیسی مسیح

به نام خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، خدای قدیر، خدای مشیر، پدر سرمدی، سرور سلامتی، الف و یاء، ابتدا و انتها، اوّل و آخر، او که بود و هست و می‌آید.
* به نام خداوند عیسی مسیح *

«آما میکائیل، رئیس ملائکه، چون درباره جسد موسی با ابلیس منازعه می‌کرد، جرأت نمود که حکم افترا بر او بزند بلکه گفت: خداوند تو را توبیخ فرماید» (یهودا ۱ : ۹).

تا کنون هر کسی را که دیدم در خصوص این آیه تعلیم داده، برای ارائه استناد یهودا به منازعه بین میکائیل با ابلیس، به کتاب زکریّا باب ۳ اشاره و ارجاع داده است. یقیناً در صحت گفته یهودا، جای شکی نیست اما برای تأیید گفته او، استناد به کتاب زکریّا باب ۳ قطعاً اشتباه است. رؤیای مکتوب در زکریّا باب ۳ کاملاً به موضوع دیگری می‌پردازد و اسرار دیگری را بیان می‌دارد نه منازعه میکائیل با ابلیس بر سر جسد موسی.

در این نوشتار قصد داریم تا به رؤیای زکریّا در خصوص یهوشع، رئیس کهنه بپردازیم، که گویی اکثر غریب به اتفاق در خصوص آن دچار اشتباه گردیده‌اند.

«^۱و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با او مخاصمه نماید.^۲ و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟^۳ و یهوشع به لباس پلید ملبس بود و به حضور فرشته ایستاده بود.^۴ و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: لباس پلید را از برش بیرون کنید. و او را گفت: ببین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.

^۵و من گفتم که عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانیدند و فرشته خداوند ایستاده بود. و فرشته خداوند یهوشع را اعلام نموده، گفت،^۶یهوه صوأت چنین می‌فرماید: اگر به طریقه‌های من سلوک نمایی و ودیعت

مرا نگاه داری تو نیز خانه مرا داوری خواهی نمود و صحنهای مرا محافظت خواهی کرد و تو را در میان آنانی که نزد من می‌ایستند بار خواهم داد.

^۸پس ای یهوشع رئیس کهنه بشنو تو و رفقاییت که به حضور تو می‌نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. بشنوید، زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد.^۹ و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می‌گذارم، بر یک سنگ هفت چشم می‌باشد. اینک یهوه صوالت می‌گوید که من نقش آن را رقم خواهم کرد و عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود.^{۱۰} و یهوه صوالت می‌گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر مَو و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود» (زکریّا ۳ : ۱ - ۱۰).

به آیه ۱ دقت کنید! «یهوشع رئیس کهنه»؛ این یهوشع، رئیس کهنه است، او کاهن خدای تعالی است، نه رئیس فرشتگان آسمان. رئیس فرشتگان آسمان، میکائیل است. یهوشع شخصی به غیر از میکائیل است. خود یهوه اعلام می‌دارد که «میکائیل، رئیس ملائکه» است. در رؤیای دانیال جبرائیل اعلام می‌کند که میکائیل یکی از رؤسای اولین است: «^{۱۳}اما رئیس مملکت فارس بیست و یک روز با من مقاومت نمود و میکائیل که یکی از رؤسای اولین است به اعانت من آمد و من در آن جا نزد پادشاهان فارس ماندم» (دانیال ۱۰ : ۱۳). در رده بندی نظامی، رئیس اول یعنی بالاترین مقام نظامی پس از فرمانده کل قوا (خدا) است. میکائیل یکی از این رؤسای اولین است.

او نمی‌تواند در عین حال رئیس کهنه نیز باشد، این با طریق خدا مغایرت دارد. خداوند وقتی قوم اسرائیل را از مصر بیرون آورد، یک سبط اسرائیل (لاویان) را جدا ساخت و به آنها خدمت کهناتی داد، و هارون برادر موسی را رئیس کاهنان نمود. لاویان می‌بایست در خدمت مذبح می‌بودند و از هر کار دیگری معاف بودند.

«^{۱۴}این است قانون لاویان که از بیست و پنج ساله و بالاتر داخل شوند تا در کار خیمه اجتماع مشغول خدمت بشوند.^{۱۵} و از پنجاه ساله از کار خدمت باز ایستند، و بعد از

آن خدمت نکنند.^{۲۶} لیکن با برادران خود در خیمهٔ اجتماع به نگاهبانی نمودن مشغول شوند و خدمتی دیگر نکنند. بدین طور با لاویان دربارهٔ ودیعت ایشان عمل نما» (اعداد ۸ : ۲۴ - ۲۶).

رئیس ملائکه، نمی تواند رئیس کهنه نیز باشد. یک فرماندهٔ نظامی اجازهٔ پوشیدن رخت کهانت را ندارد؛ همان طور که موسی نیز این اجازه را نیافت و ریاست کاهنان به برادرش هارون رسید.

اما با تمام این تفصیل یک نکتهٔ بسیار مهم دیگر نیز قابل توجه می باشد! هیچگاه در کتاب مقدس دیده نشده که فرشته ای عنوان ریاست کهنه و یا حتی عضوی از کهنه، در زمین باشد. آسمان و فرشتگان حکایت خودش را دارد و زمین و انسان حکایت دیگری. رئیس کهنهٔ زمینی حتماً می بایست انسان باشد چنان که نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان شهادت می دهد: «^۱ زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می شود در امور الهی تا هدایا و قربانیها برای گناهان بگذراند» (عبرانیان ۵ : ۱).

گناه در زمین شد و فدیۀ گناهان در زمین داده شد و نجات برای نسل آدم است لذا کهانت و رئیس کهنه تنها در ارتباط با نسل آدم برقرار است. اما یهودا در ارتباط با فرشتگانی که گناه ورزیدند و جایگاه خود را در آسمان حفظ نکردند و سقوط کردند، می فرماید: «^۲ و فرشتگانی را که ریاست خود را حفظ نکردند بلکه مسکن حقیقی خود را ترک نمودند، در زنجیرهای ابدی در تحت ظلمت به جهت قصاص یوم عظیم نگاه داشته است» (یهودا ۱ : ۶). برای فرشتگان فدیۀ دهندهٔ گناهی نیست، آنان برای هلاکت مقرر شده اند، لذا برای آنان کهانت و رئیس کهنه ای هرگز نبوده.

برگردیم به رؤیای زکریّا. این یهوشع رئیس کهنه، میکائیل و یا هیچ فرشته دیگری نیست، او یک شخص در کالبد انسانی است، لذا کل این رؤیا هیچ ربطی به نزاع میکائیل با ابلیس بر سر جسد موسی ندارد. حال این یهوشع، رئیس کهنه کیست؟

در این رؤیا یهوشع، رئیس کهنه در حضور فرشته خداوند ایستاده و شیطان در کنار دست او با او در حال منازعه است: «^۱و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با او مخاصمه نماید.» در این آیه آسمان و زمین را پیوسته می‌بینیم، یعنی فرشته خداوند و ابلیس که فرشته و آسمانی هستند با یهوشع که رئیس کهنه و انسان است با هم دیده می‌شوند، پس نتیجه گرفته می‌شود که این یهوشع جایگاه کهنانتش در آسمان است. او متوسط بین آسمان و زمین است. او وظیفه کهنانتی خود را در خیمه آسمان ادا می‌کند، نه مانند یک کاهن در خیمه زمینی.

در آسمان فقط یک کاهن اعظم داریم که کار گذراندن فدیهِ را به عهده دارد، او از ازل بوده و تا به ابد خواهد بود. او کسی است که به خون خودش فدیۀ ابدی را به مکان اقدس آسمان گذرانده است: «^{۱۱}لیکن مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنۀ نعمتهای آینده باشد، به خیمۀ بزرگ‌تر و کامل‌تر و ناساخته شده به دست، یعنی که از این خلقت نیست،^{۱۲} و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیۀ ابدی را یافت» (عبرانیان ۹: ۱۱ - ۱۲).

پس چرا او (رئیس کهنه) با نام یهوشع معرفی شده؟ عیسی (به عبری یَشوعا)؛ در گویش عبری او را یشوع، یسوع، یوشع، یهوشوع و یهوشع نیز می‌خوانند. این نام حقیقی او است، نامی به دور از هر ایهامی. در کمال تعجب! در این رؤیا وقتی به نقش کهنانتی خداوند عیسی مسیح اشاره دارد او را با نام حقیقی‌اش که در آینده مشهور خواهد شد معرفی می‌کند.

این یهوشع، رئیس کهنه، خود خداوند عیسی مسیح است که در این رؤیا به او از زاویه جایگاه کهنانتی‌اش در آسمان نگاه شده. اشتباه نکنید! او در این رؤیا رئیس کهنۀ آسمانی است. رؤیا به نقش و جایگاه و عملکرد خداوند عیسی مسیح به عنوان تنها کاهن اعظم خدای تعالی نگاه می‌کند. با دقت در آیات بعدی این مهم بیشتر آشکار می‌شود.

حال در آیه ۱ شاهد مخاصمه ابلیس با یهوشع هستیم. او (ابلیس) از ابتدا و همیشه با یهوشع (عیسی) سر نزاع داشت. او (ابلیس) در آسمان بر علیه خداوند کودتا نمود، ولی شکست خورد و سقوط کرد. او همان درخت معرفت نیک و بد که ثمره‌اش مرگ است، در باغ عدن بر ضد درخت حیات (عیسی) که حیات بخش بود منازعه داشت.

او (ابلیس) در نماد قائن، پسر نامشروع، با عیسی در نماد هابیل، پسر مشروع نزاع داشت. او در تمام طول تاریخ بشری، همیشه با عیسی در حال تضاد و نزاع بود و در انتها نیز همه چیز با نزاع و مجادله او به پایان می‌رسد. این رؤیا به زکریّا از این مهم خبر می‌دهد.

به آیه ۲ دقت کنید، چه قدر در این آیات مسیح آشکارا معرفی می‌گردد! «و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. ...» از آیه ۱ سه فرد دیده می‌شود: یهوشع، رئیس کهنه (عیسی در نقش کاهن خدای تعالی)، فرشته خداوند (خدا به شکل فرشته - فرشته خداوند) و ابلیس (مدعی)، پس تمام مکالمات حول محور این سه تن است.

حال خداوندی که به شیطان گفت: «ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید!» نمی‌تواند فرشته خداوند که آن جا حضور دارد باشد، چون خداوند نهیب دهنده (خدا)، همان فرشته خداوند است که همیشه در عهد عتیق دیده شده. پس این متکلم به نام خداوند، همانی است که وقتی وارد اورشلیم شد جماعت بسیاری برای استقبالش رفتند، فریاد می‌زدند: «^{۳۸} و می‌گفتند: مبارک باد آن پادشاهی که می‌آید به نام خداوند؛ سلامتی در آسمان و جلال در اعلیٰ علّیین باد» (لوقا ۱۹ : ۳۸). این خود یهوشع (عیسی) رئیس کهنه بود که ابلیس را مخاطب قرار داد.

می‌بینیم که در ادامه آیه ۱ یهوشع با عنوان خداوند نیز معرفی شده. چرا؟ چون یهوشع علاوه بر سِمَتِ کهنانتی، خداوند نیز بود؛ یا به عبارت صحیح‌تر این خود یهوشع

(خداوند عیسی مسیح) است که متوسط بین انسان و خدا و فدیۀ گناهان بشر به عنوان تنها کاهن خدای تعالی در آسمان است. شاهدیم که در آیه ۲ سریعاً رؤیا به ذات خداوندی یهوشع، رئیس کهنه نیز اشاره می‌کند. حال چرا خودش مستقیماً ابلیس را نهیب نداد؟! زیرا او در نقش رئیس کهنه (در ارتباط با انسان) برای خدمت کهناتی آن جا ایستاده است، و نهیب تنها در حیطة جایگاه خداوندی است. مسیح وقتی بر روی زمین به عنوان خداوند بود، ابلیس و شریران را نهیب می‌داد، اما در این رؤیا او در نقش رئیس کهنه ایستاده است. این نیز گواهی دیگر است که یهوشع، رئیس کهنه خود خداوند عیسی مسیح است، نه میکائیل.

به ادامۀ آیه توجّه کنید: «آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟» این را یهوشع به ابلیس می‌گوید. کدام "نیم سوزی؟" نیم سوزی از سوختن می‌آید، یعنی در آتش قرار دادن و سوزاندن، نیم سوزی به معنی آن چه از مذبح زمینی برگرفته شده و به آسمان ربوده شده است. اساساً "سوختنی" به هدیه و قربانی‌ای اطلاق می‌شود که بر روی مذبح برای خداوند گذرانده و مقبول می‌گردد، است.

حال این جا یک مذبح آسمانی است، نه آن مذبحی که بر زمین برقرار بود، در مذبح آسمانی فقط یک بار و برای همیشه فدیۀ آمرزش گناهان بشر به خون پسر یگانه خدا، برۀ بی‌عیب خدا، خداوند عیسی مسیح گذرانده شد؛ یک واسط بین خدا و انسان، خداوندی به شباهت انسانی. پس این نیم سوز نه فرستۀ خداوند می‌تواند باشد و نه ابلیس مدّعی که آن نیم سوز را از آن خود می‌دانسته. ابلیس خود را صاحب موت و عالم اموات می‌دانست و برای بردن جسد قربانی بی‌عیب خدا (عیسی مسیح) در آن جا مدّعی بود. چرا؟ چون مسیح برای گناهان بشر گناهکار شد و مصلوب گردید. هر گناهکاری متعلّق به ابلیس است و او مدّعی مال خود بود.

حال یهوشع به ابلیس می‌گوید: «آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟» یعنی این یک نیم سوز است، این هلاک نشد و به عالم اموات سپرده نشده!

این یک نیم سوز است!" این از میان آتش ربوده شده "این تنها قربانی پذیرفته خدا است، این متعلق به خدا است، پس خود خدا تو را نهیب (دور باد) دهد. او! این رؤیا واقعاً زیبا است! این نیم سوز در آن جا که بود؟ کس دیگری نیز در این رؤیا دیده و معرفی نشده! فقط در آن جا یهوشع، رئیس کهنه که همان خداوند عیسی مسیح است، بوده که تمام نشانه‌های آن نیم سوز را دارد. بله، او داشت به خودش اشاره می‌کرد به عنوان نیم سوزی که از میان آتش ربوده شده است.

این نیز گواهی دیگر است که این رؤیا مربوط به نزاع کاهن خدای تعالی (عیسی - یهوشع) با ابلیس، بر سر جسد برّه بی‌عیب خدا، فدیۀ ابدی گناهان بشر (خداوند عیسی مسیح) است، نه نزاع میان میکائیل و ابلیس بر سر جسد موسی. آیات بعدی نیز پیوسته به این مهم اشاره دارد.

«^۳ و یهوشع به لباس پلید ملبّس بود و به حضور فرشته ایستاده بود.» پلید، به معنی چرکین و گناه آلود است. اگر او تنها یک رئیس کهنۀ آسمانی بود، نمی‌توانست لباس ناپاک و گناه آلود بر تن می‌داشت! پس چرا لباس او گناه آلود بود؟ حال که شخصیت یهوشع، رئیس کهنه کاملاً آشکار شد، می‌دانید که او همان برّه بی‌عیب خدا و فدیۀ ابدی گناهان بشر است که برای نجات جهان فرستاده شد. خداوند عیسی مسیح هم فدیۀ ابدی خدا برای آمرزش گناهان جهان بود و هم این که اینک به عنوان کاهن اعظم خدای تعالی در آسمان در حال فدیۀ دادن گناهان بشر است. او که گناهی نداشت به خاطر نجات جهان از اسارت شیطان و گناه، تمام گناهان ما را به خود گرفت و گناهکار شد، لذا هنگام فدیۀ گناهان ما بر روی صلیب، او نیز به غایت گناهکار شد. این زمانی است که رؤیا می‌گوید یهوشع به لباس پلید ملبّس بود.

«^۴ و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: لباس پلید را از برش بیرون کنید. و او را گفت: بین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.» این دیگر فرشته خداوند است که سخن می‌گوید. او (یهوشع) که برای گناهان

جهان فديه شد و تمام گناهان را بر خود گرفت و گناهكار شد، عمل او مورد پذيرش خدا قرار گرفت و از مذبج برگرفته شد، و همان گونه كه از پيش اعلام شده بود جسد او در عالم اموات نماند و رستاخيز نمود و به آسمان ريوده شد: «^{۱۰}زيرا جانم را در عالم اموات ترك نخواهي كرد، و قدّوس خود را نخواهي گذاشت كه فساد را بيند» (مزامير ۱۶ : ۱۰).

سپس به او لباس فاخري پوشانده شد. لباس نو حكايت از خدمتي نو دارد. لباس فاخر در عهد عتيق بر تن كاهنان مي‌شد، اين لباس فاخر همان لباس كهانت آسماني او است.

«^{۱۱}و من گفتم كه عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانيدند و فرشته خداوند ايستاده بود.» عمامه يا همان دستار بر سر، معمولاً كساني بر سر مي‌گذارند كه نسبت به قوم حكم شيخوخيتي دارند و تصميم گيرنده و حكم و فتوا صادر كننده هستند.

عمامه طاهر (سفيد) كه نماد بي‌گناهي و عدالت ابدي است كه بر سر يهوشع گذاشته شد، گويايي اين مي‌باشد كه او تنها كسي است كه عادل مي‌باشد و مي‌تواند به عنوان كاهن اعظم خدای تعالی بسياري را عادل بگرداند. اين نشان ويژه رياست كهانتی او است، اين فقط بر سر رئيس كهنه آسماني گذاشته شده است. خوب به ياد دارم در كودكي وقتي با او ملاقات داشتم او را با همين عمامه سفيد بر سر، و يك لباس بسيار زيبا و فاخر نوراني در پيش روي خود ديده بودم.

در آيه بعدي خدا اين اختيار را به او عطا مي‌كند و اين را اعلام مي‌دارد: «و فرشته خداوند يهوشع را اعلام نموده، گفت،^{۱۲}يهوه صوالت چنين مي‌فرمايد: اگر به طريقهاي من سلوك نمائي و وديعت مرا نگاه داري تو نيز خانه مرا داوري خواهي نمود و صحنه‌هاي مرا محافظت خواهي كرد و تو را در ميان آناني كه نزد من مي‌ايستند بار خواهم داد.» تنها كسي كه در آسمان و زمين اين اختيار به او داده شده فقط خداوندمان عيسي مسيح است:

«^{۳۵} پدر پسر را محبت می‌نماید و همه چیز را به دست او سپرده است.^{۳۶} آن که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آن که به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (یوحنا ۳ : ۳۵ - ۳۶).

این کسانی که در حضور خدا می‌ایستند، آنانی هستند که به مسیح ایمان می‌آورند و در او نشانده می‌شوند، لذا خدا اعلام می‌دارد که هر کسی که در او نشانده شود برای او ثمر خواهد آورد و میوه خواهد داد. خود مسیح نیز در زمانی که بر زمین بود این وعده پدر را به شاگردان گوشزد کرده بود: «^{۳۷} اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آن چه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد.^{۳۸} جلال پدر من آشکارا می‌شود به این که میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید» (یوحنا ۱۵ : ۷ - ۸).

«^{۳۹} پس ای یهوشع رئیس کهنه بشنو تو و رفقای که به حضور تو می‌نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. بشنوید، زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد.» یهوشع و رفقای، این رفقا پیروان مسیح هستند که با او بر تخت او می‌نشینند خود خداوند عیسی مسیح این را آشکار نمود: «^{۴۰} دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آن چه آقایش می‌کند نمی‌داند؛ لیکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا که هر چه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم» (یوحنا ۱۵ : ۱۵). او! این زیبا است! «... زیرا که هر چه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم.» مسیح دارد به رؤیای زکریا در باب ۳ اشاره می‌کند. خدا در این جا این سخن را به یهوشع گفته بود، رفقای (دوستان!) و مسیح بر همین استناد پیروانش را دوستان می‌خواند.

و باز بر حسب همین کلام خدا است، که مسیح در خطاب به پیروانش وعده داده که با او بر تخت او خواهند نشست: «^{۴۱} آن که غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنان که من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم» (مکاشفه ۳ : ۲۱).

در ادامه می‌فرماید که: «ایشان مردان علامت هستند.» دوستان مسیح همه بر خود نشان و علامتی دارند، آنان همه بر پیشانی خود مهری دارند. خداوند تمام پیروان او را از جهان علامت‌گذاری و مهر کرده است. آنان به مردان علامت مشهور هستند! این یعنی چه؟ این به آن معنی است که تا پیش از او کسی جزو مردان علامت نبوده و پس از او نیز هر که در او نشانده نشود نیست.

همه پیروان مسیح به روح‌القدس مهر شده‌اند. این نشان خداوند برای شاگردان مسیح است، روح‌القدس تنها برای پیروان مسیح افاضه شده و همه مسیحیان می‌بایست بدان مهر شوند، چنان که پولس رسول می‌فرماید: «آزیرا چندان که وعده‌های خدا است، همه در او بلی و از این جهت در او امین است تا خدا از ما تمجید یابد.^{۲۱} اما او که ما را با شما در مسیح استوار می‌گرداند و ما را مسح نموده است، خدا است.^{۲۲} که او نیز ما را مهر نموده و بیعانه روح را در دل‌های ما عطا کرده است» (دوم قرن‌تیا ۱ : ۲۰ - ۲۲).

حال «بشنوید، زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد.» شاخه نمادی از درخت، زندگی، شجره نامه، نسل، ذریت و حیات است. چرا شاخه گفته؟ چون این درخت به شباهت یک شاخه است، در حالی که درخت می‌باشد؛ با آن که می‌تواند به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین درخت تبدیل گردد اما مانند یک شاخه به نظر می‌رسد و بسیار فروتن است. ابتدا و انتهای او، اوّل و آخر او، دیروز و امروز و تا ابدالآباد آن یکی است. او مانند درخت تاک است. تاک با همه درختان دیگر حتی به لحاظ ظاهر متفاوت است. ضعیف به نظر می‌رسد اما بسیار مستحکم است. ناتوان به نظر می‌رسد اما میوه و ثمره او قابل مقایسه با هیچ درختی نیست. نارس و کالش ترش است و مفید؛ رسیده‌اش شیرین است و مفید؛ پخته‌اش تلخ و مست‌کننده و مفید. هیچ مانعی بر سر راه تاک سد نمی‌شود، او در طول و عرض و ارتفاع رشد می‌کند و ثمر می‌دهد. ثمرات ابتدایی درخت و انتهایی درخت به یک کیفیت هستند. این خود یهوشع (عیسی مسیح) است که خدا وعده فرستادن او را به دنیا می‌دهد.

«^۹و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می‌گذارم، بر یک سنگ هفت چشم می‌باشد. اینک یهوه صوالت می‌گوید که من نقش آن را رقم خواهم کرد و عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود.» این سنگ که به حضور یهوشع (عیسی) گذاشته می‌شود، از سوی خدا به او عطا شده. این هدیه خدا به او است، این سنگی است که به دست او سپرده شده، این کلیسای خداوند است که چشمان خداوند بر آن می‌باشد، کلیسا به مسیح سپرده شد تا حفظ گردد و مسیح در خصوص آن فرموده: «^{۱۴}همچنین اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از این کوچکان هلاک گردد» (متی ۱۸ : ۱۴).

اما بر این سنگ هفت چشم می‌باشد. این همان چشمان خداوند است. چشمان خداوند همان مکاشفه آسمانی است که خدا تنها به کلیسایش عطا کرده است. مسیح در این خصوص در خلوت به شاگردانش (کلیسا) می‌فرماید: «^{۲۲}و به سوی شاگردان خود توجه نموده گفت: همه چیز را پدر به من سپرده است. و هیچ کس نمی‌شناسد که پسر کیست، جز پدر و نه که پدر کیست، غیر از پسر و هر که پسر بخواهد برای او مکشوف سازد.^{۲۳} و در خلوت به شاگردان خود التفات فرموده، گفت: خوشا به حال چشمانی که آن چه شما می‌بینید، می‌بینند.^{۲۴} زیرا به شما می‌گویم بسا انبیا و پادشاهان می‌خواستند آن چه شما می‌بینید، بنگرند و ندیدند و آن چه شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند» (لوقا ۱۰ : ۲۲ - ۲۴).

این هفت چشم بر روی یک سنگ، چشمان خداوند است که در جهان تردد می‌کند. چشمان خداوند همان چراغدانهای در مکاشفه هستند؛ این از هفت کلیسا خاص نام برده شده در مکاشفه حکایت می‌کند که مسیحیان در آنها تردد و سلوک می‌کنند و در انتهای آنها تمام عصیان و گناه بر روی زمین را در یک روز (روز خداوند) رفع خواهد نمود.

«^{۱۰}و یهوه صوالت می‌گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر مؤ و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود.» آیه آخر این رؤیا، به این اشاره دارد که شاگردان و پیروان

حقیقی مسیح (یهوشع)، همسایگان خود را، بی‌ایمانان از امت‌های مختلف را دعوت به فیض خداوند در خداوندان عیسی مسیح می‌کنند. این به روند گسترش مژده خوش انجیل اشاره دارد. "مَو" نماد مستی از روح القدس، و فیض خدا در عملکرد خداوندان عیسی مسیح، و "زیر انجیر" نماد حرکت ایمانی بر اساس کلام خدا که به قوم او اسرائیل سپرده شده است، دارد.

مسیح در آخرین ملاقات خود با شاگردانش به آنها فرمود: «^{۱۹} پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.^{۲۰} و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین» (متی ۲۸ : ۱۹ - ۲۰). پس از این سخن پایانی، خداوند عیسی مسیح به آسمان صعود نمود و خدمت او به عنوان یهوشع، رئیس کهنه، آغاز شد. و اندکی بعد کلیسای زمینی او شکل گرفت.

این حقیقت مفهوم رؤیای زکریّا در باب ۳ است. باز کل در کل همه چیز در حول خداوند عزیزمان عیسی مسیح است که او را جلال و حمد و اکرام باد تا ابدالآباد؛ آمین. حقیقتاً در تمام کلام خدا یک اتحاد و یگانگی خارق‌العاده و شگفت انگیز وجود دارد، که هر کسی را که به کنکاش در آن بپردازد متحیر خواهد نمود.

فیض، برکت، سلامتی و مشارکت روح القدس با فرزندان خدای پدر باد، در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

غلام خداوند عیسی مسیح: لوک رایان